کاکت کرایی، فراکانتگرایی و نظام جهانی

چکیده: مرحله جدیدی از روابط بین الملل آغاز شده است و نظریه برداریان روابط بین الملل شروع به توصیف و تبیین ویژگی‌های این دوره جدید و مشخص کردن خطوط اصلی آن کرده‌اند. به نظر می‌رسد از جمله روندهای جهانی معاصر گسترش چارچوب دموکراتیک و حقوقی نظام بین الملل که نگرش دولت و پرداز ایک نظام جنگی‌انگیز امنیت‌گذار باشد، در مقایسه حاضر ریشه‌های آرام‌گرایانه این تحول در اندیشه‌های کار در روابط بین الملل بررسی می‌شود. کانت، نه براساس یک روشی، بلکه با استناد به عقل، اصول حقوقی آزادی فردی و قانون‌مندی را استناد می‌کند و آن را مبانی مناسبی برای بین‌المللی بنا بر قرار می‌دهد. در نهایت، هدف کانت تحقق آزادی و رایبری انسان‌ها بود. کانت اصول مزبور را در سه سطح ملی و قدرت‌سازی و جهانی پرداخته کرده و سپس نویستندی مقاله تحول آن مضمون در اندازه‌ی فراکامپتانی روابط بین الملل را بررسی کردند.

واژگان کلیدی: آرام‌گرایی، روانیسم، تفکر جهان‌نگری، حقوق بشری، کانت و روابط بین الملل، پس‌ملی‌گرایی، فراکانت‌گرایی.
امروز در میان حقوقدانان و فیلسوفان سیاسی این عقیده بیش از پیش محبوبیت پیدا می‌کند که بايد نظم بين المللی جدیدی چاپگین نظم فلسفی شود. و یگی اصول این نظم جديد نتیجه آن است؟ اینکه بتوانند هرچه ورق حاکم بر روابط بين الملل را چاره کند. این آثار يازدهم نظام بين المللی دوره پس از قرارداد و استقلالا (1498) است. قرارداد و استقلالا نقش دولت‌های دارای حاکميت را به عنوان بازیگران اصلی روابط بين الملل به رغم مدل و استقلالا برای روابط بين الملل این باور بوده که ملت دولت‌ها از حق احصائی اعمال قدرت در جارچوب سرزمینی خود برخوردارند و این حق، جز در موارد بسیار استثنایی، قابل خدشده‌دار بوده نیست. این نوع استقلال استقلال دولت‌ها از هرگونه اقتدار خارجی بین المللی را توجه می‌کند. از سوی دیگر، مدل و استقلالا خواه ناخواه روابط دولت‌ها را در يک حالت شهرت طبيعي باقي نگاه می‌دارند.

ابتنه این مدل كاملاً دست نخورده باتی نمانده و از اواخر قرن نوزدهم میلادی به تدریج اصلاح شد. به طور مثال، نقش سازمان‌های بین المللی و فراملی در نظام بین المللی پذیرفته شد. به این ترتیب، حرکت‌هایی در جهت انتقال نظام بین المللی از حالت طبيعي به یک جامعه مدنی صورت گرفت (1). با فردا، به عقیده گروهی از نظriers بردازش حقوق بین الملل و روابط بین الملل ـ که در مقاله حاضر به آنها خواهم برداخت ـ این مرحله از انتقال خاتمه یافته و مرحله جدیدی از روابط بین الملل آغاز شده است. وظیفة نظیر بردازش بین نظری ویژگی‌های این دوره جدید و مشخص کردن خطوط اصلی آن است. به عقیده آنها ویژگی اصول این مرحله جدید گسترش جارچوب دموکراتیک و حقوقی نظام بین الملل، کاهش نقش دولت‌ها و برقراری یک نظام چندگانه اقتدار است. این تحول بنیادی با نام‌های گوناگونی باید می‌شود؛ مانند "مدل جهان شهری دموکراتیک" (دیوید هلد)، "فرهنگ جدید قرون وسطایی" (هدلی بال)، "جامعه مدنی جهانی" (اسکات تورنر)، "عصر پسا دولتگرایی" (جان هافمن)، "دنیای پسمالی" (بیورگن هایبرماس)، "نظم گروگان جهانی" (ریچارد فالک). نکته جالب توجه درباره نویسندگان فوق آن است که هر چند آنها به جاجح های فکری مختلف و گاه متعارض تعلق دارند، ولی همه آنها به نحوی تحت تأثیر روند جهانی شدن
و تحولات پس از یاپان جنگ سرد قرار داردند و به دنبال یافتن طرحی برای شرایط جدید هستند. آنها نه تنها دولت‌ها موضوع اصلی مطالعه روابط بین‌المللی تلقی نمی‌کنند، بلکه بالاخره از آن‌ها ضرورت برقراری یک نظام جهانی شهري سخن می‌گویند و جنین مدلی را برای حل مسائل پیچیده دنبال امر محسوب می‌دهند. این طرح تفکر دو تأثیر بروز است. اول به پژوهش‌های اخیر گذارده است. نخست، آن دیدگاه‌هایی را که معمولاً در اهمیت نقش دولت‌ها در روابط بین‌الملل تأکید دارند، در موضوع تداومی قرار داده است. از جمله این روش‌ها می‌توان از مکتب‌های رئالیسم و رئالیسم نو نام برد. دوم، موج جدید توجه‌ها را دوباره نسبت به آن دست از نظریه‌های قدمی روابط بین‌الملل برانگیخته است که ابعاد جهانی دارند؛ به صورتی که اکنون این نظریه‌ها دوباره مطرح شده‌اند.

در مقاله حاضر افکار یکی از نظریه پردازان اولیه تفکر جهانی شهری یعنی امانوئل کانت بررسی می‌شود. کانت تحقیق مشخصی را درباره نظم بین‌المللی ارائه داد. در این مقاله ابتدا تصوری از اندیشته‌های کانت درباره اساس و جوهره‌روابط بین‌الملل ارائه می‌شود و در سایه یک اصول سیاسی کانت بیان می‌شود. سپس نوآوری‌های فراکسی در این دیدگاهها در بخش بعدی مقاله برسی می‌شود. فرضیه اصلی مطرح شده در مقاله آن است که فراکسی‌گرایی‌گسترش از کانت‌گرایی در روابط بین‌الملل محسوب نمی‌شود، بلکه زایدهم بسط اندیشه‌های کانت درباره صلح جهانی است.

الف) کانت‌گرایی و پیش‌شرط‌های نظم بین‌المللی

(1) بیوسکوپی سیاست خارجی و فلسفه سیاسی کانت

مهم‌ترین رساله کانت در زمینه روابط بین‌المللی «صلح پایدار» یا تام دارد. این رساله در اواخر سال 1795 میلادی منتشر شد. شاید نتیجه جغرافیای استادانه‌ای که کانت در عناوان این رساله بکار بردگوهریگوهری گوهری در سیاست‌های خارجی باشد. این عبارتِ آلمانی را به آسانی نمی‌توان به سایر زبان‌ها برگرداند. زیرا معمولاً چند پژوه دارد

1- Cosmopolitan.
2- Zum ewigen frieden.
و آن را می‌توان دست‌کم به سه صورت زیر ترجمه کرد: "درباره صلح پایدار"، "به سوی صلح پایدار" و "در صلح پایدار" به معنای صلح و آرامش گورستانی. (۲) اگر هر گزیده از این معناها را برگردانیم قضیه شکل متداولی پیدا می‌کند. اگر نخستین برگردان عبارت صحیح باشد، آنگاه این طور برداشت می‌شود که هدف کانت از نگارش این اثر تیپین اوصاف یک صلح پایدار و دامنی است. در مقابل، جمله دوم معنای عمل گرایانه‌تر دارد و نشان می‌دهد که قصد کانت در واقع یک قصد عملی است؛ یعنی او می‌خواهد دیگران را به پذیرش ایده صلح پایدار ترغیب کند؛ در حالی که از سوییم برگردان می‌توان این طور فهمیده که به نظر کانت اگر صلح راستین حاصل شود، در آن صورت با آشتی انتظار آرامش گورستان یا به عبارت بهتر مرگ و نیستی پیشتر را داشت. به گمان کانت هم گرانده یا به سه این اهداف را دنبال می‌کرد. اما اندیشه آن بوده که همگرمان و در قالب یک مقاله خطوط اصلی یک نظم جهانی صلح آمیز را ترسیم کند و در عین حال دیگران را به پذیرش آن طرح فرا خواند و ضمناً توسط به عواقب منفی نادیده گرفتن چنین طرحی هشدار دهد.

با یاد توجه داشته که کانت، همانند بسیاری از نظریه‌پردازان معاصر، سروشات کشورها را تناها در حاصل‌گزار ملی –سرزمینی آنها قابل تعیین نمی‌دانست، بلکه تا حدود زیادی آن را وابسته به شیوه نظم حاکم بر جهان می‌دانست، اما مسئله این است که در آن صورت چه رابطه‌ای میان سیاست داخلی و سیاست خارجی کشورها با نظم بین‌المللی وجود خواهد داشت؟ با احتمالی که این پرسش یکی از پدیده‌های اصلی کانت را تشکیل می‌دهد. او توجه این که بود که بین سیاست داخلی و سیاست خارجی کشورها پیوستگی وجود دارد. یکی از اشتباهات مرسوم در میان راثیسته‌ها روابط بین الملل آن است که معمولاً خط سفت و سختی میان امور داخلی و امور بین المللی مشترکها می‌کند و امور مربوط به حیطه اجتماعی و شرایط داخلی را از عرصه بین‌المللی کامل یا جدا می‌کند. (۳) اگرچه این مرزبندی همگانی در آرای کانت مشاهده می‌شود و اتفاقاً از بر ضرورت حفظ آن به شدت تکیه دارد، ولی در عین حال از ضرورت سنتیت نظم داخلی و نظم بین‌المللی و ارتباط این دو نیز سخن می‌گوید. همان‌طور که یکی از کانت گرایان معاصر اشاره می‌کند، اوصافی که کانت برای یک نظرسنجی بر مسائل یک یا دو مقوله سیاسی در داخل حکومت، بر می‌شود، همان را عیناً برای یک نظام بین‌المللی مطلوب خود نیز پیشنهاد می‌کند.
کانت گراپی، فرانکانت گراپی و ... ۴۹

می‌کند (۲) زیرا کانت شرایط لازم را برای استقرار صلح در داخل یکی کشور و عرصهٔ
بین‌المللی پیرکنان می‌داند. در نتیجه، با‌گرته‌برداری از تریبون‌های داخلی جمهوری‌های
دموکراتیک، می‌گوید راه‌حل برای هرج و مرگ حاکم بر روابط بین‌المللی پیدا کند.

بدون شناخت انديشه‌هاي سياسى كاست درک نظريات درباره امور بین‌المللی ممكن
نيست. زیرا هر دو دارای اصول مشابه‌اند. به همين دليل در ابتدا به‌طور اجمالی درباره
انديشه سياسى وى صحبت مي‌کنيم. انسان محور اصلی انديشه سياسى كاست را تشکیل
می‌دهد. اين انسان را يك "غایت" مي‌دانند. تاکنه، با انسان اصلاً يك تنازه ابزار
نيست، به عقیقه اينكه ناياب بعصور ابزار در خدمت اهداف دیگران قرار
بگیرند، بلکه در نفسه خود غایته محسوب مي‌شوند و این به‌طور جهت كمال خویش
بکوشند. به همين منظور، در كتاب "بنياد مابعدالطبعه اخلاق" اين حکم مشهور را بيفان
مي‌کند: "چنان رفتار كن تا پشتري را چه در شخص خود و چه دیگري هميشه به عنوان
يک غایت به شمار آوری و نه هرگز تنازه همچون وسیله‌ای" (۵) بر طبق جنين طنز
فکر انسان بر دوست مقدم است. كاست اين حکم را به امور خصوصي و فردی محدود
نمي‌کند و آن را درباره گستره عمومي نيز صادق مي‌داند؛ آنجا كه مي‌نويسد:

"این فکرکه هر ذات خرده‌نده ذاتي است كه باید خود را از راه اينهاي
رفتار واحظ قانونين عام بدند كه تا از اين دنبالا درباره خویشتن و
كارهای داوری كنند، خود به فکر دیگری می‌انجامده كه وابسته بدنان و
به‌صورت سومانست است، يعني فکر مملکت غایات. مقصود معمولا از مملکت
[غایات] بيوستگي‌هاي مظالم ذاتي، خرده‌نده‌هاي مستقل رفتار كند. كاست از این مقدمه فلسفى نظريه‌اي درباره حق را استنتاج كرد. به‌گمان
مفهوم حق شالوده نظريه سياسى كاست را تشکيل مي‌دهد (۷). اين حق را امرى طبيعي
نمي‌دانست، بلکه آن را از جمله صفات خرده‌ناب محسوب مي‌کرد. به عبارتی، فرد
خرددوز براساس یک روشی قضایی صاحب حق نمی‌شد، بلکه در نفس و از آنجا که دارای خرد می‌باشد، دارای حق است. یعنی به همین ترتیب، اصول مربوط به آزادی فرد و قانون را از عقل استنتاج می‌کند. از این دیدگاه انسان‌ها به دلیل خرددوز دارای آزادی ذاتی هستند و نیاز می‌توانند قواعد عام اخلاقی را بین خود برقرار کنند. بر این اساس، کانت چنین استدلال کرد که تجاوز به آزادی و دارایی دیگران به منزله نقص اصل انسانیت و افراد دیگر از جانب متناژ است و «کسی که حقوق مردمان را زیر یا می‌گذارد جانان است که از سایر اشخاص فقط به منزله وسیله استفاده می‌کند.» (8)

(2) پیوند منطق داخلی و صلح خارجی از دیدگاه کانت

به نظر می‌رسد، دیدگاه کانت درباره سیاست داخلی و سیاست خارجی کشورها و امور بین‌المللی محصول بسط همین ایده است. در رساله صلح پایدار این اصل در سطح ملی (سطح 1)، فدراسیونی (سطح 2) و جهانی (سطح 3) تعیین گردیده می‌کند. در نهایت، هدف تأمین آزادی و برابری انسان‌ها است و اینکه آنها بتوانند مناسبات سیاسی موجود میان خود را براساس اصل حق تنظیم کنند. این امر تنها در سطح 1 برقرار نمی‌ماند. زیرا اگر تهیه‌گر از خارج نسبت به آزادی مربوط به کشور وجود داشته باشد، در آن صورت آزادی مردم در سطح ملی به مخاطره می‌افتند. بنابراین، باید تحقیق آزادی مردم در درون چارچوب‌های یک کشور آن است که حالت صلح در میان بین‌المللی برقرار باشد. کانت همواره اصل آزادی بود و بر پایه همین برهان از لزوم برقراری صلح با دوام در روابط کشورها حمایت می‌کرد. این موضوع آن‌که برای اولین بار از همی‌تاریخ که ایجاد فدراسیونی از کشورها را برای حفظ صلح پیشنهاد کند تا بر طبق آن اصل حق جانان‌شمول شود. این روش چشم‌انداز فکری که با در چارچوب‌های ملی فترات برد.

از دیدگاه کانت صلح، به معنای واقعی کلمه‌تنه زمانی برقرار خواهد شد که جنگ به عنوان ابزار پیشرفت سیاست کشورها کاملاً کنار گذاشته شود. مفهوم «صلح» در نظریه کانت بر مبنای فقіدان جنگ تعریف می‌شود. از این‌رو رساله صلح پایدار مفهوم «صلح» را چنین تعریف می‌کند: «فقیدان هرگونه خصوصی» (9) از دیدگاه کانت صلحی...
که با آن زمینه‌هاي لازم برای درکي هاي بعدي از ميان برده نشده باشد، اصلاً صلح نيست و صرفاً مانکه است. زيرا مفهوم صلح عميقتر از فقدان موقت خصومت می‌باشد. صلح واقعی به رقابت‌های خصومت‌آمیز پایان می‌دهد و در چارچوب آن مردم و دولت‌ها می‌توانند به نحو مسالمت‌جویانه اختلافات خود را حل و فصل كنند. اين وضعیت حالت موفقی و برگشت پذیر تندارد، با وجود گذشته بيش از در قرن از انتشار رساله صلح یافدم هنوز چنين صلحی در سطح بين المللی برقرار نشد است. از این موضوع می‌توان به دو تجیه گیری كاملاً متافات رسیده. از يک سو، رتایی‌ستها چنين تجیه‌گیری می‌کنند كه عدم تحقق چنين صلحی دیلی بر خیالی بودن آن است؛ در حالت كه از دیگرها، ایده‌آليستها و هواداران تفکر جهان شهری دموکراتیک، این امر بیانگر آن است که هنوز هم امکانات بالقوه قابل توجیهی در آرای و اندیشه‌هاي كه وجود دارد كه می‌تواند مبنای نظریه هاي جديد قرار گيرد. به هر حال، مورگنتا به درستي نظریه كنات و همگنان وی را جزئی آن دسته از نظریه ها قرار داده كه در پي یافتن بدلیل های گرای جنگ و هرج و مرج بين المللی هستند و می خواهند از طریق تقویت نهادهای بينالملی به اين هدف دست بيدا كنند. مورگنتا یوس این رویکرد را صلح سازی از طريق ايجاد «محدوديت» ناميد. (10)

روح صلح طلبی و تلاش برای یافتن راه‌های وحدت اخلاقی به‌شیرین بودن تاریک حرکت طولانی دارد و ریشه‌های آن را می‌توان در افکار رواقول جستجو کرد. رواقول از جمله مبلغان ایبدهای جهان شهری بودند، ولی تلقی جهان شهری در نردند کانت معنای خاصی پیدا کرد. که ۱۰ تا ۲۰ ملت دوئل اصلی قائل بود. در نظر کانت ملت‌ها یک‌پی از اجزای سازنده دو ملت اصلی را تشکیل می‌دهند. به علاوه، حفظ موقعیت دولت‌ها برای حفظ صلح دوئل است. زیرا دولت‌های مهم ترين شكل نهادي است که در چارچوب آن عدالت مستقر می‌شود. همینطور، احترام به حاکمیت ملت‌ها پي‌شي شرط تداوم صلح است. که صرفبحاکمیت دولت‌ها که «همی‌کدنه نمی‌توان به زور در امور حکومت و امور مربوط به قانون اساسی کشور دیگری دخالت زنده» (۱۱) به سخنی، که بر این باور بود که کار ویژه‌اصلی نظم بین الملل حفظ صلح میان دولت‌های هم‌نظر است.
از سوی دیگر، کانتین به نژاد نظام سیاسی دوئت‌ها و شرایط صلح کشورها ارتباط مشاهده می‌کرد. برای تدریج صلح پایدار، به نظر وی، لازم است که دوئت‌ها دارای رژیم جمهوری باشد و بر طبق اصول جمهوریخواهانه اداره شوند. در صورتی که شالوده سیاسی این کشورها برخاسته از قانون باشد و دوئت‌ها انتخابی زمام امور مردم را به دست داشته باشد، احتمال بروز جنگ به شدت کاهش ییدا می‌کند. زیرا دموکراسی‌ها با هم نمی‌جنگند. از اواست دهه ۱۹۸۰ میلادی این رأی کانتین به جمهوری‌های آزادیخواه با هم درگیر نمی‌شوند مورد توجه هواپیما نولیبرال كانتن قرار گرفت و نظریه «صلح دموکراتیک» را به پار آورد. این از «هؤمونی لیبرال» جانداری می‌کنند و معتقدند که كانتن با دفاع از ضرورت استقرار جمهوری‌های دموکراتیک در واقع مدافع طرح «هؤمونی لیبرال» بوده است. این نظریه برداران نولیبرال چنین استدلال می‌کنند که دولت‌های دموکراتیک میل قوی به حمایت از صلح دارند.

بر همین اساس، یکی از هواپیمای «صلح دموکراتیک» بنام انسوئر ویرگتسیر دموکراسی را مهم‌ترین عامل شرط توسعه صلح جهانی می‌داند. ویرگت جمهوری‌ها را به تقسمی منکت. جمهوری‌های دموکراتیک و جمهوری‌های یلگارشیک. به بار او دو هرگز قرار نمی‌گیرد. همچنین دولت‌های یلگارشیک که حداکثر نمایندگان آنها از حقوق سیاسی کامل برخودارند هرگز روابط پیکگیر قرار نمی‌گیرند. همچنین دولت‌های یلگارشیک و دموکراتیک یکدیگر گنج نمی‌کنند. گنجها اصلی‌ترین دموکراسی‌ها و یلگارشی‌ها در کشور ما می‌شود وبرت ریشه این گرافیست ما بر فرهنگ سیاسی کشورها جستجو می‌کنند. به نظر او تاسیل و سازنده یک جزء ویژگی های عمدتاً فرهنگ‌های سیاسی جمهوریخواهانه دموکراتیک است. بنابراین جمهوری‌های دموکراتیک بیشتر ترجیح می‌دهند که برای حل اختلاف‌ها خود از ابزار مذاکره و گفتگو استفاده کنند. جمهوری‌های دموکراتیک رژیم‌های از نوع دموکراتیک را خوید محصول می‌کنند و با یلگارشی‌ها سر ناسازگاری دارند و به همین دلیل به سرعت روابط آنها قرار می‌گیرند و در اغلب موارد رژیم‌های الیگارشیک را نامشروع و بی‌گانه می‌دانند.
یکی دیگر از نویسندگان، کاتگریا بی نام مایکل دویل، از رؤیای "صلاح دموکراتیک" طرفداری می‌کند. به عقیده او، دویل در عصر حاضر با توجه به افزایش شمار دولت‌های دارای قانون اساسی دموکراتیک، اگر ایجاد یک فدراسیون صلح جوی مشترک برحسب جمهوری‌های دموکراتیک به مراتبی به داشتن حیات، که معمولاً جلوه‌ای می‌کند.

بر این دیدگاه سیاسی نوکاتی دستکم دو ایراد وارد شده است. نخستین انتقادات جنبه آماری دارد. بر طبق آن، جوین تعداد دموکراتیک‌ها در طول تاریخ محدود بوده است. هنوز به‌لحاظ آماری حد نسبی از برای انتخابات اینکه دموکراتیک‌ها باید که جنگ و احراز نشده است. دومن انتقادات به‌منظور خود نظریه مربوط می‌شود. شاوهای تاریخ بایگان آن است که در اغلب موارد رژیم‌های دموکراتیک ممکن است با آستانه جنگ با یکدیگر پیش بروند و لی سرانجام به دلیل ملاحظات راهبردی و منافع سیاسی و اقتصادی و نه به دلیل وجود فرهنگ سیاسی مشترک از درگیری منصرف می‌شوند. اصولاً اشکال رأی "صلاح دموکراتیک" به طور اعم و نظیر ویرت به طور اخصوص این است که جوین تمام توجه خود را به بایان نقش فرهنگ سیاسی معطوف کرده از سایر بدلیل‌های تیبینی غافل می‌ماند (۱۲).

کانت این رابطه دموکراتیک بین دولت‌ها را در سطح فدراسیون مطرح می‌کند. او به هنگام بحث درباره فدراسیون (سطح ۲) برای نکته تأکید می‌گذارد که حق ملت‌ها بر پایه ایجاد فدراسیونی مربوط به دولت‌های آزادی نشان داده شد (۱۲) به این ترتیب، ایجاد قدرت مشترک را به چارچوب ملی محدود نمی‌کند، بلکه آن را به چارچوب فدراسیونی گسترش می‌دهد. برای این ترتیب، با شکل‌گیری فدراسیون دولت‌های آزاد عرصه روابط بین الملل از حالات طبیعی برپا می‌آید و شکل یک‌جامعه مدنی زیر سلطه قانون را پیدا می‌کند. در ایجاد دیگر پروزی در جنگ تبعین کند، حق نیست (۱۲) بنابراین، کانت وجود یک رابطه قانونی مؤثر در میان دولت‌های مستقل را برای ایجاد یک ساختار عادلانه و صلح آمیز بین المللی ضروری می‌دانست. بهره‌مند کانت این بود: تا زمانی که نظم قانونی عادلانه‌ای همه دولت‌ها را شامل نشود، به کارگیری زور برای دفاع از خود در برابر متجاوزان قانونی، شکن گریزناپذیر خواهد بود.
(3) تفکر جهان شهری کانت

شارحان لیبرال - و ایضاً رتالیست کانت در گذشتگی بیشتر به سطح 1 و سطح 2 نظریه وی در زمینه روابط بین ایالت توجه داشتند. یعنی بحث مربوط به دولت مشروطه و مکمل آن فدرالیسمی دولت‌های آزاد را در نظر می‌گرفتند و به سطح 3 یعنی حق شهرهای کمتر اعتنا می‌کردند. اخیراً این سطح سوم بیش از دو سطح دیگر مورد توجه قرار گرفته است. این تحول تا اندازه‌ای به ظهور دیگر گاهی فراکسیون‌گرایان مربوط می‌شود. این دیگرگاهی جدید در قالب انواع مدل‌های جهان شهری دموکراسی و نظرات مربوط به جامعه مدنی جهانی نمود پیدا کرده‌اند.

کانت به هنگام اشاره به سطح 3 در رساله صلح پایدار صریحاً این نکته را یادآور می‌کرد که قصدش از اشاره به بعد جهان شهری تها دستیابی به اهداف بشردوستانه نیست. بلکه می‌خواهد نشان دهد که حق در بعد جهان شهری آن نیز مطرح است. بنابراین، بیگانه نیز دارای حق است و باید از این حق برخوردار باشد که مورد حفظ و حفظ شود. این حق کلی را به حفظ انسان نسبت به کره زمین که در آن زندگی می‌کند، منتسب می‌داند. به گمان او، همانطور که خاک هر کشوری یک زمین عادی قابل خرید و فروش نیست، (۱۵) حق فرد نسبت به کره خاکی که در آن به سر می‌برد نیز قابل سلب نمی‌باشد. در نتیجه، در فرد به خاطر اشتراکی که در این زمینه با سایر افراد دارد، با آن‌ها دارای حقوق مشترک جهانشهری است. (۱۷)

کانت استدلال خود را تا آنجا اتمام می‌دهد که بگوید مقدار جهانی به درجات مختلف به جامعه جهانی وارد شده‌اند و این جامعه جهانی تا بدانجا توسیعه پیدا کرده که نقض حقوق افراد در یک جا در همه جا احساس خواهد شد. (۱۸) به این ترتیب، در نظریه کانت مفهوم حق از یک مکان گرافی‌ای خاص (جامعه ملی) آغاز می‌شود و تا سطح جهانی گسترش می‌یابد. استقرار حق در سطح ۳ به معنای تكیه جامعه مدنی جهانی است. در این حالت از مفهوم حق مکان‌زدایی می‌شود و فرد به عنوان یک شهروند جهانی می‌باشد. حق بررسیت شناخته‌شدن می‌شود و ابتدا انسان به عنوان یک غایت
ب) فکر جهان شیری و اندیشه‌های فراکانتهای

(1) زمینه‌های کاتی

به طور کلی، هدف اصلی کاتی استقرار و ثبیت موقعیت حق عمومی بود. به‌گمان وی این امر مستلزم سپری شدن یک روند اجرایی و پرتشبی و فراز است، اما باید توجه داشت که مقصود کاتی از بحث آرمان جهان شیری نه ایجاد یک دولت جهانی بود و نه یک ناکجا آباد آنارشیستی که در آن دولت‌ها از میان برداشته شدند. به عبارت دقیق‌تر، این آرمان بیشتر بی‌آید با وقفه‌ای شبه‌سازی داره که در آن حقوق فرد از مراحل کشوری فراتر می‌رود، ولی در چارچوب قوانین و قدرت‌های اجرایی دولت‌های موجود پذیرفته می‌شود. (1) این شیوه‌ها کاتی به تفصیل درباره حق جهان شیری بحث نمی‌کند و فقط به موارد مانند حرکت آزاد انسان‌ها و کالاها اشاره می‌کند. با توجه به توسعه نیافته‌گی روابط بین دنیا در عصر کاتی، پایین بودن حد مصداق‌های ارائه شده توسط کاتی
عجيب نیست، ولی او دستکم اصول کلی جهان شهری را به رسمیت شناخت.

در سالهای اخیر برخی از نظریه‌پردازان این ابدهایی که در زمینه سیاست بین‌المللی را دست‌مانی قرار داده‌اند و با انجام اصلاحاتی آن را گسترش داده‌اند. قانون صلح کانلبی قابلیت چینی‌گسترش‌ی را دارد. آن‌چه در مورد نظریه‌ای که مهم‌تر بسیار دارد، آن است که اول‌اً روابط بین‌المللی زیزی فاوترب روابط کشورها است. ثانیاً باید مسائل را در ابعاد جهانی آن در نظر گرفت. به علاوه، با وجود آنکه طبق نظریه کانلبی چنین رابطه‌ای بین کشورها و یزگاه اصلی روابط بین‌المللی را تشکیل می‌دهد، ولی باید توجه داشت که این رابطه بر اساس اصول فرمایش سهال می‌گردد. همچنین این اصول حاکم بر روابط مردم در داخل یک کشور با اصول حاکم بر رابطه دولت‌ها در سطح بین‌المللی و رابطه شهروند با کل جهان مستحق وجود دارد. در واقع، این جنگ از نظریه کانلبی درباره نظم بین‌المللی امکانات بالقوه‌ای را برای بست و توسعه آن به صورت قابل‌های جدید نظریه فراهم آورده است.

از سوی دیگر، نظریه کانلبی مشتمل بر دیدگاهی بود که اندیشه‌بانان رثالیست و رثالیست نوکمتر به آن توجه دارند. این‌که حوزه روابط کشورها عرصه تغییر و تحول است و باید به‌طور فلسفی درباره ماهیت تغییر اندیشید. به عبارتی، طبق این استدلال روابطی که در یک دوره حاکم بوده، حتماً تایید در دوره بعد نیز حاکم باشد. در کنار آن، باید درباره امکانات بین‌المللی جدیدی که بطور بالقوه وجود دارد و می‌تواند بالفعل شود نیز اندیشید. بنابراین، کانلبی‌های اصلی روابط بین‌المللی را در حال دگرگونی می‌دانست. چنین طرز تلقی به نوعه‌ خود امکان‌ها بزرگ‌تری در یک‌داده‌های کانلبی مطرح گشت. گرچه کانلبی امکان ایجاد یک جامعه جهان شهری را باز نگاه می‌داد. اگرچه کانلبی امکان ایجاد یک جامعه جهان شهری را با حکومت جهانی را به دلیل ناسازگاری آن با حاکمیت انجام‌داده‌های منتقلی می‌داند و از کثرت‌گی در روستای بین‌المللی حمایت می‌کند، ولی در غیر حال، تفکر جهان شهری را به عنوان بدل مطرح می‌کند. در نهایت، پروپوزال‌ی سیاسی کانلبی پروپوزه‌اخلاقی است و این هدف را در مقیاس بین‌المللی می‌کند. از اینرو، موافق تغییر بین‌المللی است.

به هر حال، یک رشته تحولات ساختاری در سطح جهان امکان ارائه تفسیر‌های نوین
اثر نظرات که را فراهم آورده است. همان‌گونه که چارلز کاول اشاره می‌کند، نیت کانت از به بحث گذاشتن قانون جهان شهیر ایجاد یک چارچوب حقوقی مناسب برای تسهیل مراودات افراد و دولت‌ها و گسترش تجارت آزاد در حیطه بین‌المللی بود. این ایده به طرح کانت برای صلح جهانی درون مایه لیبرالیسم بخشید. بنابر استدلال کانت، گسترش تجارت بین کشورهای جهان خوب است و باید توسعه یابد کنند. زیرا موجب تقویت گرایش‌های مسالمت‌آمیز در بین آنها می‌شود. البته نظریه‌پردازان فراکانتگرا اندیشه جهان شهیر خود را به این طرح لیبرالی محدود نمی‌کنند و دامنه آن را وسعت می‌دهند؛ به صورتی که جنبه‌های دیگری از زندگی معاصر را نیز شامل می‌شود. به هر حال بسیاری از این تحولات در اواخر قرن هجدهم میلادی برای اندیشمندان قابل تصور نبوده است. گذشته از این، برخی نظریه‌پردازان فراکانتگرا به لحاظ فکری و مسلکی جزو منتقدین لیبرالیسم و لیبرالیسم نو محسوب می‌شوند و شماری از پیش‌فرض‌های سیاسی کانت را مورد می‌دانند. با این حال روش‌کات را برای گذر از سطح ۱ به سطح ۳ ملاک مناسبی برای تدوین یک نظریه فراکانتگرا روابط بین‌الملل تلقی می‌کنند. برخی از این افراد عبارتند از دیورد، آندرو لینکلت، مایکل دویل، جان مولر، بورگن هابرماس، لئا برلمایر و غیره. اینان به جنایه‌ای فکری مختلف تعلق دارند.

(۲) انواع روانگردهای فراکانتگرا ایانه

آندر و لینکلت سه روانگرد عمده در تلاش معاصر جهانی شرکت دارد. گوند نخست همگانی ملتی دوم در موضوع اصلی روابط بین‌المللی می‌دانند، ولی در عین حال از او بار که امروز آسیب‌های فراملی به نحو فراوانی‌های ملت‌ها را تهدید می‌کند و می‌گوید برای مقابله با این مسائل باید به نوعی ایجاد جهان شهیر باور داشته. روانگرد دوم قدمی فراتر می‌گذرد و معقده است که شهروندی جهانی جیشی بیش از مشارکت جهانی برا ی حمایت‌های فراملی را ایجاد می‌کند و مستلزم تأسیس ریه سازمان‌های سیاسی بسامل است. روانگرد سوم از این حد نیز جلوگیری می‌رود و انجام تغییرات کلی تر در ترتیبات سیاسی و اجتماعی موجود در جهان را پیشنهاد می‌کند و هدف نهایی آن برقراری یک جامعه جهانی‌شمول است که آمیزه‌ای آن می‌پذیرد و در حال ارتباط
با یکدیگر باشند. (21) یا

این تصمیم بندی لیکلتر بیانگر یک صفحندی عمده در نظرات جهان شهری میان دو دیدگاه اصلی است. یک دیدگاه به پیروی از کاننده نظام حاکمیت طبیعی بر ملت دولت‌ها را دستکم یک ایندیز قابل پیش‌بینی باقی می‌ماند. یکی از شاخص‌ترین تعیین اعتراض این گروه دیوید هلد است. و در یکی از آثار آقای رضوان نظام دولت‌های دارای حق حاکمیت احساس نظر می‌کند که «وزیگی نظم بین‌المللی چنین حکم می‌کند که نظام دولت‌های دارای حق حاکمیت همچنان پابرجا می‌مانند، ولی در عین حال به واسطه توسعه ساختارهای متکرر قدرت و اقتدار مهمتر و مستعمرنگ‌تر می‌شوند.» (22) از این دیدگاه می‌توان به عنوان چکیده ملاک‌تر در تفکر جهان شهری نام برد.

دیدگاه دیگر از یک روبروی دیدگاه تندتر پیراهن می‌کند و این ایده را مطرح می‌کند که در نظام بین‌المللی آینده نابیاب باید برای دولت باشد و دولت باید از مناسبات بین‌المللی حذف شود. از این دیدگاه جامعه مدینی جهانی نه مکمل دولت، بلکه یک انجمن بین‌المللی محسوب می‌شود. جان هافمن یکی از هводاران سرسخت این دیدگاه تندتر اخیراً در کتاب خود به نام «حاکمیت» این موضوع را مطرح کرده که در آینده تعیین مفهوم حاکمیت نایب‌نمان نهایی نهاد دولت صورت گیرد. از این احتمال را در نظر می‌گیرد که ممکن است در آینده دیگر حاکمیت در میان دولت‌های مختلف تقصیم نشود، بلکه یک تلقی پسادولت‌گرایانه از حاکمیت تثبیت شود. به عقیده هводاران این دیدگاه دیوید هلد و سایر کسانی که از یک نگرش جهان شهری دولت محور حمایت می‌کرده، به وجود تنش میان دموکراتیسم خوددردان و نهاد دولت به عنوان نهاد دارای حق انحصاری استفاده از اجبار مشروط واقعی، اما در عین حال فاقد منابع مفهومی لازم برای ارائه تعريف درباره از حاکمیت براساس اصطلاحات پسادولت‌گرایانه می‌باشد. نگرشی که بتواند نقص مستقل چارگزارهای فرامچینان، انجمن‌ها و افراد را کنار می‌سازد. در اینجا فرامچین دموکراتیک جهانی درک کند. جان هافمن از کاننده به خاطر آنکه تنومند از این سو به آن سوی ورطه موجود میان تفکر دولت‌ها و پسادولت‌گرایانگر نماید، انتقاد می‌کند. (23) در مجموع، گرایش‌های پسادولت‌گرایانه این پیش فرض را مطرح می‌کند که ساختار و اقتدارهای سیاسی فراموشی بايد تقویت شوند و به یک گستره‌های عمومی فرمولی شکل
دهند. به عقیده لینکلر تحکیم این گستره عمومی فوق ملی یکی از زمینه‌های پدیدآورنده شهرسنجی جهانی است. او تحت تأثیر تفکرات مکتب انتقادی از ضرورت ایجاد جامعه‌سیاسی فوق ملی سخن می‌گوید که در آن رابطه گفت و شنودی (دیالوژیک) برقرار باشد. به عقیده لینکلر چنین تلقی گفت و شنویدی درباره شهرسنجی جهانی در آثار کانت یافت نمی‌شود. (۲۳) کانت به هنگام بحث درباره طریق تفاوت چهار شهری تناها به این موضوع اشاره داشت که مردم جهان، جدا از اینکه به چه ملیتی تعلق دارند، با یکدیگر رحم و دلسوزی داشته باشند. کانت چنین وضعیتی را از طریق برقراری یک جارچوب عام و جهانسنجی ارتباطی شدنی می‌دانست. لینکلر از این فرازی را یکی از ضرورت تقویت تربیتی و جامعه‌سیاسی با احساسیاتی سخن می‌گوید. در این جامعه سیاسی جدید افراد از ملیت‌های مختلفی توانند متشکل شوند و در این دوره کارت باشند. اگرچه کانت و لینکلر در زمینه ایجاد یک حق فرآیند اشکال نظر دارند، ولی دامنه رویکرد لینکلر و سیستمی است. زیرا او در صدد تأسیس جامعه‌ای برگرفته است که در آن امکان برقراری گفتگو آمده باشد.

منطق رشد تفکرات جهانی شهری معاصر از برخی جهات باطقن حاکم بر تفکرات دوران کانت تفاوت دارد. تحویل ساختاری مهم در عرصه روابط بین‌الملل در حال انجام است. این تحویل‌ها درجه یک کانادی کردن جهان حرفه می‌کند. مهم ترین این عوامل پیچیدگی روزافزون تقویس کار بین‌المللی است. از سوی دیگر، بحران مدرنیت نیز در این تحول نقش داشته است. مفهوم "تجریدی" دولت ملی اساسی و یزیگی مدرن دارد. از لحاظ تاریخی نیز دولت به معنای دقیق آن خاص جوامع مدرن است. (۲۵) به موازات شکل گیری مفهوم دولت مدرن و تثبیت آن در چارچوب فلسفه سیاسی، حقوقی و اقتصادی و اجتماعی، مفهوم جدید حاکمیت از فرآیند میلانی رشد کرده است. بنابراین، میان رشد انديشه مدرن درباره دولت و ساختارهای دولت مدرن پیوستگی وجود دارد. در دوره پاسامدن هر دوی این جنبه‌ها به یک معضلی تبدیل شدند. از یکسو، اندیشه سیاسی مدرن با جالش‌های جدیدی مواجه شده است. از سوی دیگر، ساختارهای سیاسی دیوان‌سالارانه مدرن نیز به تدریج تغییر می‌یابند و شکل‌های غیرمرکزیت و پیچیده‌تری پیدا می‌کند. نشانه‌هایی از این تغییرات ساختاری سازمانی
در جوامع غربی مشاهده می‌شود. انتظهار جهانی در حال حاضر در جوامع در حال توسعه کمتر مشاهده می‌شود، ولی هواداران فراکانت‌گرایی معتقدند که تغییرات در این سیر جنبه‌ی جهانی خواهد داشت.

به هر حال، به نظر می‌رسد که چالش‌های موجود در برابر مدرنیت در عرصه تحولات ساختاری و مهم‌تر از آن در عرصه نظریه و بردازی، در کنار روند جهانی، نقش به‌سزایی در رشد تفکرات فراکانت‌گرایانه و جهان‌شهری داشته باشد. به‌هر‌میزان نظام های دولتی مدرن و سنتی در حال گذران به مدرن رشد و یک‌پدیدکننده بر مبنای انطباق با محیط بازسازی شوند، در آن صورت اندیشه‌ی جهان‌شهری گرایی عقیده‌گر خواهد کرد و مجال

کمتری برای عرض ادامه پیدا خواهد کرد و بیشتر در هدایت می‌یابد با استقلال فکری بقیه می‌ماند. بر عکس، به‌چندین ساختارهای سیاسی‌اجتماعی مدرن بیشتر دگرگون شود و فرصتی برای آزمودن شکل‌های سیاسی متافیت و پیام‌بندن فراهم آید و به موازات آن مفهوم حاکمیت استحصال به دیدگاهی در آن صورت مجال باز هم بیشتری برای طرح دیدگاه‌های فراکانت‌گرا وجود خواهد داشت. در عین حال، می‌توان یک راه سومی را نیز در نظر گرفت که طبق آن ساختارهای سیاسی-اجتماعی به شکل‌های مختلفی در اینه حاکمیت و تبیین ایده‌های جهان شهرگرایانه فراهم آورد. این امر مستلزم تحولات شناختی و هستی‌شناسیانه در اندیشه مدرن است. دست‌کم از لحاظ نظری نمی‌توان این راه سوم را متفاوت دانست. هواداران نظرات بازتابی مدرن(۲۲) از این راه سوم حمایت می‌کنند.

به نظر می‌رسد، دیدگاه فراکانت‌گرا به دنبال ارائه گفتگو جدیدی درباره حاکمیت است. برهان‌آیان آن است که شکل‌بندی‌های مختلف قدرت‌های دانش به این‌گونه‌ها گوگنهان درباره دولت و حاکمیت مو انجامند. از این رو مفهوم حاکمیت دولت یک مفهوم ثابت و جابه‌جانشدنی نیست، بلکه مانند سایر مفاهیم و نهادهای سیاسی در طول زمان کارورزه‌ها، توسعایی و شکل مشروطتی تغییر پیدا کرده. (۲۷) این تحولات در انگاره حاکمیت را به‌طور عینی می‌توان به خصوص در دو زمینه دکلخت‌گرایی بین‌المللی و مجازات نقض‌کنندگان هنجارهای حقوق بین‌الملل مشاهده کرد. از دیدگاه تشارک‌نامه‌ها در روابط بین‌الملل، به طور مثال، افزایش تعداد مداخله‌های مسلح‌های در دو دهه‌ای‌آخر و
محاکمه جنايتکاران جنگی و متهمان به انجام کشتارهای جمعی و نسل کشی در بوسنی
در دادگاه بین‌المللی لاهه ببانگر تحول در رابطه دانش و قدرت و بازتاب آن در فرامی
حاکمیت می‌باشد. از این دیدگاه تحول صورت گرفته جنبه مقطعی ندارد، بلکه با رشد
تنوع و پاره‌پاره شدن مناسبات بین‌المللی مربوط است. افزایش تنوع نهادی و فرهنگی
منابع جدیدی را برای نظم جهانی بیان می‌آورد. به هر میزان دامنه این ارتباط‌های
فرامی افزایش پیدا کند، فرامی‌گان جهانیتی تقویت می‌شود.

شاید بتواند او ایراد عمده بر نگرش جهانی فراکاستی وارد آورد. نخستین ایراد
آن است که این روابط عصر قدرت را نادیده می‌انگارد و نقش آن را در شکل دادن و
تقویت روابط بین‌المللی نادیده می‌گیرد. این امر باعث شده که به نوعی نگاه
شبه‌تاریخی گرایانه دچار شود و تحول را صرفًا به خاطر آنکه تحول است، تآیید کند. این
موضوع به خصوص به هنگام بحث درباره آزادسازی نجات جهانی کامل‌آشکار است.

فرامی‌گان‌های واشنگتن در آثارشان کمتر اشاره‌ای به منافع فرامی‌گانی‌ها و شرکت‌های
بزرگ و بهره‌برداری آنها از فراهانیان جهانی شدن اقتصادی می‌کنند و حتی برخی از آنان به گونه‌ای
سخن می‌گویند که گویا این فراکاست جبری است و همه از آن به یک اندمازه سود می‌برند.

فرامی‌شکنند نقش قدرت در روابط بین‌الملل باعث این اشتباه شده است.

ایراد دیگری که می‌توان بر نگرش جهانی وارد آورد این است که درک دقیقی از
همیت‌های تاریخی ندارد. اگرچه مفهوم حاکمیت یک مفهوم نسبتاً جدید است، ولی
مفهوم منافع و ملت و ریشه‌های به مراثی عمیق‌تری دارد و تفکر جهانی شهیری نخواهد
توانسته به آسانی جایگزین آنها شود؛ بمویزه آنکه در جهان پرتلاطم امروز ملت‌ها هنوز
نیازی به دلایلی می‌باشد و حفظ منافع شان مبارزه کند و باید به فکر منافع خود باشند؛
در غیر این صورت حتی ممکن است در معرض نابودی قرار گیرند. با این حال، در
صورتی که تأکید بر منافع بشری گسترش پیدا کند و نیرویی فرامی‌گانی تقویت شود،
احتمال توسیع فرامی‌گان جهانیتی بیشتر خواهد شد. به هر حال، چنین فرامی‌گانی دیگر
حاکمیت و دولت را یک چیز تصور نمی‌کند و برای حاکمیت ابعاد جدیدی را در نظر
می‌گردد. این فرامی‌گان نازه هنوز در حاشیه قرار دارد و رشد آن به میزان ارتباط و سنگینش
با نیروهای اجتماعی معاصر بستگی دارد.
نتیجه‌گیری
به نظر می‌رسد، فراکسانت گروه‌های محصول گسترش عرصه و روابط بین الملل در سال‌های پایانی هزاره دور میلادی و شبکه‌ای شدن روابط بین الملل می‌باشد. افزایش وابستگی متقبل کشورها، تحول در نقش بزرگ‌تران صحت به بین المللی، گسترش مراوده‌های اقتصادی و فرهنگی، پدیده‌های مهاجرت و مسافرت، توسعه تکنولوژی اطلاعات و شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت به‌مدت‌یافته این احساس را پدید آورده است که تحول پیزورگی در سطح جهانی در حال انجام است. این تحولات و تجربه‌های جدید موجب شده که به قول مارکو آلبرو این باور به وجود آید که می‌توان مفاهیم قدیمی را به شیوه جدیدی درک کرد. (20) به تبع آن، گروهی از نظریه‌رگاهان با طرح این ادعا که عصر تاریخی نوین آغاز شده است، درصد ارائه نظریه‌های برای توضیح این تحولات برآمدند. فراکسانت گروه‌های محصول چنین فعل و اتفاق‌های همی‌است، نظراتی که درباره سلسله‌های این نگرش جدید است. نوسان که در دوست و جهان شهر به فراکسانت گروایی اجازه داده که به دیدگاه‌های پسا حاکمیتی نزدیک شود. به هر حال، کمی در نهایت یک منفیک عامل‌گر بود و برخلاف نگرش‌های ناسیونالیستی مرزهای جغرافیایی را محدود دانسته نمی‌دانست. همین طرز فکر یکی از سرچشمه‌های فلسفی فراکسانت گروایی معاصر و هواداران تفکر جهانی محسوب می‌شود.

یادداشت‌ها:
گاری مدیسون بر جنبه دیگری از جامعه مدنی تأکید دارد. وی معتقد است که اساس جامعه مدنی را باید برای حل مسائل جمعی بر مبنای عقلانیت تفکری تشکیل می‌دهد.
کانت گراپی، فرآکانت گراپی و ...

گاری مدرسون، اقتصاد سیاسی جامعه مدنی، ترجمه قدرت احمدیان، تهران: نشر سفر، 1378، ص 252.

2. و.ب. گالی، فیلسوفان جنگ و صلح، ترجمه محسن حکیمی، تهران: نشر مرکز، 1372، ص 203؛ کاکنت عبارت "صلاح پایدار" را از روز نوشته‌ای که بر تابلوی اعلانات یک فرهنگ‌نامه بشر نصب شده بود، عاریت گرفت. در کنار تابلو تصویر یک فرهنگ‌نامه شده بود.

3. یان شولت در اثر ذیل پیامدهای این طرز فکر را بررسی کرده است. به عقیده او این خطاى رئالیستى Politicism و سیاست زدگی statism از دولت محوری این مكتب نشات می‌گیرد.


5. آمانولی کانت، بنیاد مبادلاتطبیعه اخلاق، ترجمه حمید عنبیت و علی قبضه‌ی، تهران: خوارزمی، 1369، شماره ۴۲۹، ص ۷۴.

6. همان، شماره ۴۳۳، ص ۸۱.

7. اخیرا مفهوم "حق" و اهمیت آن در اندیشه سیاسی کانت بسیار مورد توجه شارچند و سخن سنجان قرار گرفته است. این امر تا اندازه‌ی زیادی مبنا بر اهداف جان راول درباره کانت بوده است. به ویژه رجوع شود به فصل چهارم از بخش دو کتاب "یک نظر درباره عدالت":


8. همان، شماره ۴۳۰، ص ۷۵-۷۶.


12. برای آشنایی با اصول رای "صلاح دموکراتیک" می‌توانید به در اثر ذیل مراجعه کنید:

15. Ibid., p. 105.
16. Ibid., p. 94.
17. Ibid., p. 106.
18. Ibid., pp. 107-108.


25. گالی، همان، صص 22-41.
